

مخبر

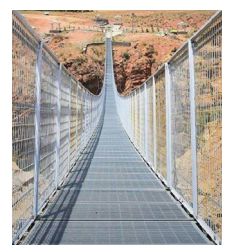
هفته نامه سراسری

شماره: ۲۲۷
۱۸ شهریور ۱۳۹۹
قیمت: ۲۵۰۰ تومان
کانون همبستگی فرهنگی ایران
سرمدییر: سید هادی کسایی زاده
۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۲

المپیک در «آوج»

کارشناسان اعلام کردند شهر «آوج» ظرفیت پذیرش بازیکنان المپیک را دارد و باید در آن سرمایه گذاری شود اما این پرونده مسکوت ماند.

صفحه ۳



بازار اسرائیلی!



ماجرای یک شامپانزه و بنیاد مستضعفان!

گروهی از فعالان محیط زیست معتقدند باغ وحش ارم به نوعی رفتار حیوان آزاری با بچه شامپانزه ۳ ساله داشته است. اما سوال این است که چرا خبری از این حیوان نیست؟ بهتر است پرویز فتح باغ وحش ارم که در حیطة املاک و دارایی های بنیاد مستضعفان است هم وارد شود.

صفحه ۸

تنگر نماینده اسبق به مجلس یازدهم

این دیگر مجلس نیست

جنایت مخفی در جنوب تهران

درخواست اهالی کهریزک از رئیس دادگستری استان تهران

صفحه ۲

این گزارش را رئیس قوه قضائیه بخوانند

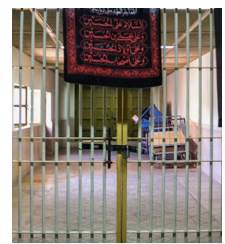
بن بست ۳۰ ساله یک پرونده قضایی

صفحه ۸

در اسلام زندان نداریم!

در زمان پیامبر (ص) چیزی بعنوان زندان نبوده و برخورد با مجرمان بیشتر بر اساس سیاست اخلاق بوده است.

صفحه ۷



ویژه روحانیت؛ از ماه غسل تا تمام تاهبه جوجه!

بخشی از زندگی یک روحانی ساده اما با ایمان و بخششده می تواند تلنگری به روحانیونی باشد که تصور می کنند صرف پوشیدن لباس روحانیت آنها را انسانی مومن کرده و خدا از آنها خشنود می شود.

آنکه عدالتی برقرار باشد. وزن چانه نانوا هم آب رفته و حتی مساجد هم برای نماز گذاران کم می گذارند. قیمة های هیات ها هندی و تراریخته شده و و طیب و طاهر بودن پول نذری جایگاهی ندارد. برخی از مدیران ریش دار یقه بسته که تصاویرشان در صف اول نماز جمعه پایتخت بود یا در دادگاهند و یا زندان و یا فرار کرده اند. آقا زاده ها با هم رقابت دارند. دسترسی به مغلدرها ۳ دقیقه شده یعنی بیشتر از دسترسی به مترو... برخی قضات عادل و پاکدامن هم به اتهام فساد در بازداشتند چون فساد کردند. چه توقعی دارید که گروهی از جامعه و آژ اسلام را از ایران شان حذف نکنند و سبک جدید زندگی برای خود تعریف نکنند؟ وقتی روسای جمهوری و مسئولان قوای کشورش یاد حصرند، یا ممنوع التصویر، رد صلاحیت شده و یا شان به دار چه حرجی بر عوام که روی خط قانون حرکت کنند. اگر خوب در خیابان ها و بازار و کوچه ها بنگرید می بینید که سبک زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مردم تغییر کرده است. گروه زیادی به خیلی از باورها و هنجارها دیگر مقید نیستند. این یعنی یک سوت بزرگ برای سران قوا... جدی بگیرید.

به راحتی سوگند دروغ یادمی کنند، گوشت ها و مواد غذایی فاسد و کالاهای تقلبی یک به یک کشف و تیتیریک رسانه ها قرار می گیرد. الباقی پولت را نمی دهند. به جای ۷۰۰ گرم فقط ۶۹۰ گرم در بسته بندی های ریزند و وقتی معترض می شویم می گویند تلرانس دارد! هوای داخل بسته های چیپس روز به روز بیشتر می شود. حتی هوا به داخل پمپ های بنزین هم رسیده است. نوشابه ها هم یک استکانی کم دارند. با تراریخته ها قیمت ها را کاهش می دهند. گوشت الاغ در برخی کباب ها خود نمایی می کند. بانک ها هنوز ربا دارند و فروشگاه های زنجیره ای گران فروشی و کم فروشی می کنند. برخی سازمان های حمایتی و امدادگر دولتی صندوق صدقات دارند و از مردم پول می گیرند. گروهی سهام عدالت دارند و گروهی را ندانند، می دانند که خودروشان بی کیفیت و نا ایمن است اما به اسم نبود قطعات احتکار می شود و به ۱۰۰ میلیون تومان در بازار عرضه می کنند. دستش در جیب دولت و بیت المال است و با پول مردم رسانه داری می کند اما در صف اول یارانه بگیران مطبوعاتی نشسته و به حسابش واریز می شود بدون



سرمدییر سید هادی کسایی زاده

«دینداری» مردم در حال تغییر است



اعتراض خانواده شهدا به شهرداری تهران

عده ای در اعتراض به حذف عنوان اسلامی از میدان جمهوری اسلامی مقابل شهردار تجمع کردند. فعالین سیاسی، فرهنگی و اجتماعی معتقدند شهردار امسال نسبت به سیاه پوش کردن تهران در ماه محرم کوتاهی آشکار و غیر قابل بخشودنی داشته است. این اعتراضات در حالی است که شهرداری تهران در انجام امور خدماتی خود هم مورد اعتراض شهروندان تهرانی قرار گرفته است.

پایگاه خبری شهدای ایران، اعلام کرد در روز ۵ شهریورماه سال جاری صدها نفر از خانواده شهدا و هیئات مذهبی تهران با حضور در مقابل شهرداری تهران در این محل تجمع کردند. بنابراین گزارش؛ نمایندگان هیئت های مذهبی و خانواده شهدا امروز در اعتراض به ناکارآمدی شهرداری تهران در زنده نگه داشتن حرمت محرم و عاشورا و سیاه پوش نکردن تهران در مقابل این نهاد تجمع کردند و اعتراض خود را اعلام نمودند. گفتنی است چند روز قبل هم

مادر بزرگ کهریزک



گزارش سید هادی کسایی زاده
روزنامه نگار

خیر قدم پیش نهاده مورد حمایت قرار گرفته است؟ آیا از دست مسئولان راضی است؟ آیا فرش قرمز دولت برای او پهن شده است؟ آیا آب در دلش تکان نخورده است؟ پاسخ برای این پروژه کاملاً منفی است. خیرین این درمانگاه نه فرش قرمزی دیدند و نه عزتی که باید دولت بر سر آنها بگذارد. به راستی آیا پیگیری برای مجوز خرید، ساخت، احداث و ... که از سوی یک خیر به دستگاه های دولتی و شهرداری ارائه می شود باید همانند سایر شهروندان باشد؟ اینجا قانون و بخشنامه ها سکوت کرده اند. اما آیا سکوت قانون و بخشنامه موجب می شوند که یک کارمند یا مدیر دولتی یا شهرداری هم برخورد عادی با این افراد خیراندیش داشته باشند؟ وقتی بی مهری ها را شنیدیم هم دلگیر و هم متعجب شدیم که در کشورمان که نام جمهوری اسلامی را به همراه دارد باید در دستگاه های اسلامی مان این برخوردها شکل بگیرد. اتفاقاً از خبرنگاران حاضر در مراسم توقع بود تا به جای حلقه زدن دور مدیرانی که نقشی در این کار نداشتند پای درد و دل این خانواده می نشستند. هر چند که باید گفت در چند ماهی که امین بابایی بعنوان بخشدار کهریزک منصوب شده و شاهد برخی بی مهرها بوده همراه با این خانواده سرعت اجرای پروژه را چند برابر کرد که از سوی خانواده صادقی هم مورد تشکر و تقدیر قرار گرفت. با این حال هر تابلویی که از سوی خیرین برای خدمات رسانی به مردم بالا می رود به این آسانی ها نیست. شاید این خیرین اگر در آفریقا یا آمریکا چنین اقداماتی را می کردند غیر از معافیت از بسیاری از مطالبات دولتی جایگاه بهتری در جامعه و سازمان ها داشتند. اما در کشورمان خیرین همیشه ابزاری برای قدرت نمایی دولت ها هستند. وضعیت طوری شده که دولت در برنامه های خود به خیرین مسکن ساز و مدرسه ساز و سلامت دستور می دهد! یعنی بخشی از ساخت و سازها را در برنامه باید برعهده بگیرند. و یاد در حوادث و بالایا نهادهایی مانند بهزیستی، هلال احمر و حتی بنیاد مستضعفان و برنامه های تلویزیونی و اپراتورها هم کاسه گدایی دست گرفته و از خیرین و مردم درخواست کمک می کنند. اگر شما همه خواسته های خود را از مردم مطالبه دارید پس بودجه شما صرف چه می شود؟ مثلاً هلال احمر بودجه ۶ میلیارد تومانی روزنامه شهروند را صرف حقوق به افراد به نام خبرنگار و مشاور و خرید کاغذ می کند آن وقت در حوادث گدای مردم می شود. این کارها شبانه دار و نادرست است.

تابلوی درمانگاه «شوکت علی اکبری» در کهریزک در حالی بالا رفت که برخی مسئولان برای تحقق این پروژه همکاری خوبی نداشتند و خانواده خیر داستان ما دلخورند. اما از زحمات آقای بخشدار قدردانی کردند.



استاندار تهران ریان قرمز را پاره کرد. همه صلوات فرستادند، خبرنگاران و عکاسان همانند پروانه دور فرماندار «ری»، بخشدار کهریزک، استاندار و سایر مسئولان پال و پر می سوزاندند و به اصطلاح خبر مخابره می کردند. بعد از قرائت قرآن توسط تلفن همراه و سخنرانی استاندار تهران، کیک و ساندیس معروف توزیع شد و همه رفتند. تقریباً مرکز درمانی کهریزک خالی شده بود و فقط یک خانواده حضور داشتند. خانواده ای که هزینه ساخت و تجهیزات درمانگاه را همه کرده بودند. مرکز خدمات جامع سلامت شهری خانم شوکت علی اکبری در هفته دولت رسماً افتتاح شد. این مرکز خدمات درمانی اعم از آزمایشگاه پاتوبیولوژی، دندان پزشکی، جراحی های سرپایی، پزشک عمومی، داروخانه، تزریقات، مغز و اعصاب، مامایی، روانپزشکی، ارتوپدی، بهداشت محیط کار و واکسیناسیون و تغذیه رایه شهروندان کهریزک در مساحت ۱۸۵۰ مترمربع ارائه می کند. نکته قابل تامل اینکه بیش از ۱۹ میلیارد تومان هزینه ساخت و تجهیزات این مرکز درمانی از سوی خانواده مرحوم حاج اکبر صادقی و همسر عزیزشان حاجیه خانم شوکت علی اکبری تامین شده است.

وقتی خانواده صادقی برای عکس یادگاری کنار تابلوی یادبود مرکز درمانی کنار هم ایستادند مادر (شوکت علی اکبری) به روی تصویر همسرش دست می کشید و می گریست. با گریه مادر فرزندان هم همه می گریستند. انگار بار بزرگی از گردنشان برداشته شده بود. کمی با شوکت خانم گفتگو کردم و می گفت: جای حاج اکبر خیلی خالی است. آرزو داشت این مرکز زودتر افتتاح شود. مادر بزرگ کهریزک می گفت: ما از اهالی همین شهر هستیم و باید هر چه داریم را برای مردم این شهر هبه و هدیه کنیم و خدا می بیند. اما آنچه که قابل تامل بود اقدامات پس از هبه و حضور خیرین است. آنچه از شواهد مشخص بود این درمانگاه تا فعالیت رسمی کمی نیاز به تجهیز بیشتر و ارائه برخی خدمات تاسیساتی دارد. بعنوان مثال بسیاری از بخش ها مانند دندانپزشکی برق و سیستم فاضلاب یونیت ها وصل نبود و یا نیروی کار مورد نیاز و حتی تامین داروهای مورد نیاز داروخانه به طور کامل شکل نگرفته بود. که نیاز است بهداشت و درمان شهرستان ری هر چه زودتر این چالش ها را رفع کند تا زودتر خدمات این درمانگاه به مردم کهریزک ارائه شود. اما در کنار تمامی اشک ها و لیخندها سوالی که باید از سوی خبرنگار پرسش شود این است که آیا خیریه که برای کار

جنایت مخفی در جنوب تهران

پیشنهاد سفر رئیس دادگستری استان تهران به کهریزک!

بعد هم میفرماید: وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ. در اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. به راستی چرا قوه قضائیه و دولت چشم خود را بر روی اجرای قانون اساسی بسته اند؟ این در حالی است که بر اساس قانون حفاظت از خاک سازمان محیط زیست مکلف است تا آلودگی و عوامل آلوده کننده خاک را شناسایی و با آنها برخورد کند و آلوده کننده به جز جریمه ای که باید پرداخت کند هزینه رفع آلودگی را هم بپردازد. متأسفانه هر روز شهروندان کهریزک شاهد آن هستند که خودروهای سنگین حامل زباله های تر به سمت آراکوه شیرابه های خود را در میان جاده رها می کنند. چون این شیرابه ها خصلت ژلاتینی دارند تبدیل به ژل خشک شده و با اولین باران موجب لغزندگی جاده و تصادفات جاده ای می شوند. از سویی دیگر آلودگی محیط زیست را به همراه دارند. مشاهده این صحنه ها در طول روز هم می توانست بخشی از برنامه های رئیس دادگستری استان تهران باشد که آقایان به هیچ عنوان انجام ندادند. راستی درآمد سالانه ۲۰۰۰ میلیارد تومانی آراد کوه کجا می رود؟ چرا از این مبلغ سهمی برای کهریزک در نظر گرفته نشده است؟ اینها بخشی از دغدغه ها و پرسش ها و اعتراضات شهروندان کهریزک بود که از رئیس دادگستری استان تهران پرسش داشتند. لذا لازم و ضروری است یک بار هم آقای حشمتی به دعوت مردم و بخشدار کهریزک به این شهرزباله خیز پایتخت سفر کنند که قطعاً برکات زیادی خواهد داشت.

رئیس دادگستری استان تهران، به دعوت شهرداری از منطقه کهریزک بازدید کرد اما آنچه که باید مورد بازدید قرار می داد را متأسفانه به او نشان ندادند. آیا مرکز دفن و بازیافت زباله های آراد کوه فقط تولید برق است؟ چرا دریاچه شیرابه ها، نفوذ آلودگی به سفره های زیرزمینی همراه با تولد مافیای پلاستیک در روستاهای اطراف آراد کوه را نشان رئیس دادگستری استان تهران ندادند؟ آرادکوه ای که در سال ۱۳۴۲ برای جمعیت ۵ میلیون نفری تهران ایجاد شد و امروز زباله های ۱۰ میلیون تهرانی را دفن می کند. چرا به رئیس دادگستری استان تهران مرکز نگهداری سگ های ولگرد را نشان ندادند که چگونه آنها را بدون عقیم سازی در بیابان های کهریزک رها می کنند؟ چرا یک کارشناس فنی در حوزه محیط زیست، بازیافت، آب و خاک و هوا کنار آقای حشمتی (رئیس دادگستری استان تهران) نبود؟ چرا رئیس حوزه قضایی کهریزک در مورد حکم قضایی اجرا نشده در مورد قلع و قمع مافیای پلاستیک در روستای قمصر، مجیدآباد و اشرف آباد توضیح نداد؟ مگر نباید احکام قضایی که به امنیت خاک و غذا و زیست محیطی مرتبط می شود به سرعت اجرا شود؟ مگر رهبر انقلاب در این خصوص تاکید نکرده اند؟ آیت الله خامنه ای فرمودند: لجاج ترین، خبیث ترین، سرسخت ترین دشمنان که خصوصیاتش برایش ذکر میشود؛ یکی از خصوصیات این است: اذاتواکلی شعی فی الارض لیفسد فیها و یتهلک الحرث و النسل؛ حرث و نسل را از بین میبرد، فاسد می کند؛ کشت را - یعنی تولید گیاهی را و تولید انسانی را - نابود می کند و از بین می برد. امروز اگر شما نگاه کنید در سیاست های دنیا می توانید پیدا کنید کسانی را که همین کار را بالفعل با همه ملتها و یا با بسیاری از ملتها دارند انجام می دهند؛ اهلاک حرث و اهلاک نسل؛ این را احادی متعال فساد میدانند.



پایگاه خبری تحلیلی «جامعه خبر»
Jamehnews.com
گزارش های حرفه ای را اینجا بخوانید

فساد، تخلف، کم کاری و کارهای خوب را به ما گزارش دهید
۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴ سردبیر

* کانال تلگرامی خبرنگار ضد فساد @Hadikasaa
* کانال آموزش خبرنگاری @Amozeshkhabar
* کانال مهر تابان @Mehretabaan

بازار اسرائیلی لوازم خانگی

رهایی بازار لوازم خانگی و عدم نظارت و کنترل قیمت ها دقیقا اهدافی است که دشمنان به ویژه رژیم صهیونیستی آن را دنبال می کنند.

گزارش سید هادی کسایی زاده
روزنامه نگار

۸۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان
(۱۸ ساعت پیش)



اگر ایران خود را در ساخت ورق های فولادی، صنایع تبدیلی و پلاستیک و پلیمری، صنایع الکترونیکی و سرمایشی و گرمایشی خودکفا و توانمند می داند چرا کیفیت لوازم خانگی ساخت ایران در بیشتر موارد نامرغوب و به دور از آپشن های خارجی است؟ دوم) چرا نظارت ویژه و تخصصی بر بازار لوازم خانگی کشور وجود ندارد و اتحادیه های مرتبط همیشه از همه جا بیخبر یا حق به جانب هستند؟ سوم) چرا نقش پررنگ سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان بازرسی کل کشور را در کنترل بازار و پیشگیری از قاچاق و گران فروشی مشاهده نمی کنیم؟ چهارم) چه افراد و گروه هایی از وضعیت کنونی بازار سود می برند؟ پنجم) چرا کارخانه های ایرانی به طور سلیقه ای می توانند افزایش قیمت دهند و هیچ نهادی هم قدرت برخورد با آنها را ندارد؟ ششم) دقیقا نقش اتاق اصناف ایران در این بازار کجاست؟ هفتم) آیا این آشفته گی بازار نمی تواند دلیلی برای توقف خرید جهیزیه و تسهیل ازدواج جوانان و در ادامه فرزندآوری باشد و نمی توان تصور کرد که این تفکر شباهت زیادی به تفکر دشمنان کشور و رژیم صهیونیستی باشد؟ مگر دشمنی و تخریب کشور فقط اقدام رزمی و حمله رسانه ای و فرهنگی است؟ در روزهای سخت تحریم افرادی با نفوذ و با برنامه می دانند چطور باید مانع جوان شدن کشور و افزایش ازدواج شوند. این نکته را نمی توان شوخی گرفت و بازار لوازم خانگی یکی از بازارهای هدف دشمن می تواند باشد. حالا تعلق ستاد مبارزه با قاچاق ارز و کالا، سازمان تعزیرات، اتاق اصناف، اتحادیه های صنفی مرتبط و پاسکاری وضعیت موجود را کنار این تئوری قرار دهید. آیا این کوتاهی ها می تواند سهوی باشد؟ نمی خواهیم بگویم همه دستگاه های مرتبط با بازار لوازم خانگی دشمن هستند اما عمدا یا سهوا همان مسیری را دارند طی می کنند که دشمن می خواهد. من در ۷ روز جستجو در بازار لوازم خانگی هیچ ردپایی از دستگاه های نظارتی و صنفی مشاهده نکردم و این یعنی این بازار رسماً رها شده و به صورت دیمی مدیریت و اداره می شود.

با دلار ۲۲ هزار تومان وضعیت لوازم خانگی در بازار تهران برای مادر و پدر عروس چندان مناسب نیست. بر اساس آخرین قیمت های بازار برای خرید ماشین لباسشویی از ایرانی تا خارجی ۸ تا ۲۰ میلیون تومان، اجاق گاز فرودار ۴ تا ۱۹ میلیون، چرخ خیاطی ۲ تا ۲۳ میلیون، تلویزیون ۳ تا ۸۰ میلیون، جاروبرقی ۲ تا ۱۳ میلیون، اتو از ۳۰ هزار تا ۸۰ میلیون، یخچال فریزر از ۸ تا ۱۱۰ میلیون، ماکروفر از ۲ تا ۳۰ میلیون، چرخ گوشت از یک تا ۱۰ میلیون، مخلوط کن از ۵۰۰ هزار تا ۷ میلیون، سرویس قابلمه از ۳۰۰ هزار تا ۵ میلیون، سرویس چینی از ۴۰۰ هزار تا ۴ میلیون، سرویس تختخواب از ۵ تا ۱۸ میلیون، مبل از ۳ تا ۱۰۰ میلیون، از ۴۰۰ هزار تا ۸۰۰ میلیون تومان ماشینی است. همراه با سرویس آشپزخانه، بلور، لوازم برقی و سایر لوازم عروس می توان گفت که هزینه جهیزیه یک عروس خانم در تهران در گران ترین و با کیفیت ترین کالا ۶۵۰ تا ۹۰۰ میلیون و در ارزان ترین هم با حدود ۷۰ تا ۹۰ میلیون تومان می توان جهیزیه را تامین کرد. البته ناگفته نماند که جهیزیه ۷۰ تا ۹۰ میلیون تومان را بیشتر کالاهای نه چندان مرغوب ایرانی را تشکیل می دهند که شاید عمر مفید آنها بسیار کمتر از نوع با کیفیت آن باشد. با این حساب یک کارگر ایرانی با حقوق دریافتی میانگین ۳ میلیون تومان اگر در بیابانی بدون برق و آب و تلفن و غذا زندگی کند و هیچ هزینه هم نداشته باشد و بدنش را هم با گیاهان بپوشاند و با فوتوستتزی زیست کند می تواند پس از ۲ تا ۳ سال پس انداز تمام حقوقش را صرف خرید جهیزیه دخترش کند. جهیزیه ای که دولت و حکومت بدون حمایت آن را تشویق می کنند و توقع هم دارند تا فرزندآوری شکل بگیرد. البته اگر عروس و داماد با هم وام ازدواجشان را تجمیع کنند فقط می توانند جهیزیه ایرانی خانه را تامین کنند و دیگر پولی برای رهن خانه و هزینه عقد و عروسی نمی ماند. نکته قابل تامل در گشت و گذاری که در بازار امین حضور تهران و فضای مجازی داشتیم این بود که بیشتر کالاهای به صورت قاچاق ارائه می شد و فاقد ضمانتنامه و قیمت و تعرفه اتحادیه بود. تعداد زیادی هم لوازم خانگی فیک یا همان تقلبی عرضه می کردند. جای تعجب است که مثلا یخچال فریزر ال جی در یک فروشگاه ۲۷ میلیون و جای دیگر ۵۰ تا ۶۰ میلیون به فروش می رسد و علت آن هم فیک بودن و اصلی بودن آن است. اما اینجا چند سوال مطرح می شود: اول)

گزارش تصویری بازار مجازی جدید

۹,۹۰۰,۰۰۰ تومان
(۱۸ ساعت پیش)



۲۹,۰۰۰,۰۰۰ تومان
(۱۸ ساعت پیش)



۱۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان
(۱۸ ساعت پیش)



۱۲,۵۰۰,۰۰۰ تومان
(۱۸ ساعت پیش)



مجلس

بادداشت اقتصادی

این دیگر مجلس نیست!

مهر تابان

خود رهبری می گویند ممکن است کسی نظری مخالف نظر من داشته باشد، باید بتواند حرفش را بزند.



علی مطهری گفته است: در مجلس دهم در نطقی این مطلب را گفتم که نماینده باید خود را نماینده مردم بداند. مشکلی که در مجلس وجود دارد این است که بسیاری از نمایندگان خود را نماینده نظام می دانند نه نماینده مردم. در جایی که بین حق مردم و حق حاکمیت تراحم پیش آید، نمایندگان باید طرف حق را بگیرند و از آن دفاع کنند. ما نمایندگانی داریم که صرفا می خواهند از تصمیمات حاکمیت دفاع کنند حتی اگر جایی حق مردم ضایع شود. اینها خطاها را توجیه می کنند و نوعی عصمت برای نظام قائل اند. نمایندگان نباید کاری کنند که دست و بالشان بسته شود. ما نشانه هایی می بینیم که مجلس یازدهم تمایل دارد استقلال خودش را محدود کند و منویات برخی اعضای شورای نگهبان را اجرا کند که با آزادی بیان سازگار نیست. آیت الله جنتی در دیدار اخیر با هیات رئیسه مجلس به صراحت تاکید کرد که اگر نماینده های فساد داشت، مانع ادامه کارش شویم. معتقدم آقای جنتی اظهار نظر مخالف نظر خود را فساد سیاسی می دانند. می گویند فقط یک چیز بگویند و نظر رسمی نظام را تکرار کنید. این امر منجر به نفاق و احياناً تملق و چاپلوسی می شود. این دیگر مجلس نیست.

دیگر سوت نمی زنی!

تومان را به نمایش می گذارد. برای درک بزرگی این رقم کافی است که بدانیم ارزش این تفاوت معادل ۶۰ درصد بودجه وزارت پهن پیکر آموزش پرورش با ۹۰۰ هزار نفر پرسنل و ۱۰۰ هزار مدرسه در سراسر کشور است. بنابراین این رقم، ارزش آن را دارد که دستگاه های نظارتی دو قوه قضائیه و مقننه (سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات) وارد عمل شده و این واگذاری های را تا اطمینان کامل از روند عادی بازار متوقف نمایند. نویسنده به هیچ وجه قصد ندارد که راجع به ارزش ذاتی این شرکت های صحبت کند تا عمق فاجعه بیشتر نمایان گردد. فقط به عنوان نمونه عرض می کنم که ارزش یک برگ سهام شرکت شتران که مقرر شده دولت آنرا به قیمتی حدود ۳ هزار تومان پذیره نویسی نماید در سال ۹۲ با نرخ دلار آن زمان ۱۲۷ هزار تومان قیمت گذاری و در بازار بورس معامله می شده است! بنابراین ارزش این سوء جریان به قدری زیاد است که به نظر می رسد مافیای ثروت و قدرت دست به هر کاری می زند تا این رقم نجومی را تصاحب نماید. پیشنهاد می شود برای برطرف نمودن هر گونه ابهامی در فروش این شرکت های دولتی، واگذاری دارا دوم متوقف و دستور بررسی همه جانبه آنرا صادر فرمایند.



مجدد سجاد پناه
مشاور سابق
وزیر دادگستری

جناب آقای روحانی، جناب آقای رئیسی و جناب آقای قالیباف مستحضر باشید که بزرگترین سقوط تاریخ بورس در ۱۰ سال گذشته در همین ۲۰ روز اخیر اتفاق افتاده است. یعنی درست در زمانی که مقرر شده سهام ۴ شرکت بزرگ پالایشی، به ارزش یک پنجم کل بودجه کشور در بازار بورس فروخته شود. به ظاهر اختلاف از دعوی دو وزیر اقتصاد و نفت بر سر تاسیس صندوق «دارا دوم» که این ۴ شرکت مندرج در جدول فوق را در بر می گیرد شروع می شود و به دنبال آن ناگهان سهام بیش از ۹۵ درصد بازار بورس به صورت پوششی دچار ریزش می شوند؟! و بازار علی رغم سیکنال های مثبت داخلی (حمایت های مکرر مسولین و مشوق های گوناگون) و سیکنال های مثبت خارجی (عدم تصویب قطعنامه شورای امنیت در مکانیزم ماشه و...) هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهد و این موضوع کاملا غیرعادی و مشکوک به نظر می رسد. زیرا این بی حسی موضعی بازار به هیچ وجه مسبوق به سابقه نبوده است. تفاوت ارزش این چهار شرکت، قبل و بعد از ریزش اخیر بازار، رقم نجومی و خیره کننده ۳۵ هزار میلیارد

«آوج» ممدوح است

□ امام جمعه آوج فریاد می زند که ما برای توسعه شهرستان سرمایه گذار داریم اما مسئولان همکاری و تعامل ندارند و این شهر ممدوح (به نقل از رهبرانقلاب) مغفول مانده است.



برق فشارقوی نداشتیم و سرمایه گذار از ایجاد کارخانه فولاد انصراف داد. مردم ۱۳ هکتار زمین برای ساخت دانشگاه آزاد اسلامی هبه کردند اما ساخته نشد. این ها بخشی از چالش های آوج است.

* تصویر گزارش مردان ۹۹



بازنگری نشده و مردم با مشکل مسکن مواجه هستند به نحوی که یک خانه اجاره ای در آوج پیدا نمی شود. بازم به دولت دهم که حداقل توانست این شهر را به شهرستان ارتقاء دهد که آن هم با پیگیری های نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی بود. وقتی سخن از سرمایه گذاری به میان می آید می گویند در این شهرستان سرمایه گذار وارد نمی شود در حالی که همین الان ۳ سرمایه گذار بزرگ آماده به کار هستند اما چرا با آنها همکاری و تعامل نمی شود؟ یعنی مردم شهرستان آوج حق ندارند همانند سایر شهرستان ها ترمنال مسافری، تاکسیرانی، سیستم فاضلاب شهری و روستایی و حتی برق فشارقوی برای شهرک صنعتی داشته باشند؟ سرمایه گذاری چندی قبل برای ایجاد یک کارخانه بزرگ فولاد به آوج آمده بود که با راه اندازی این کارخانه چرخ اقتصاد و اشتغال آوج به حرکت در می آمد اما فقط به دلیل نبود برق فشارقوی منصرف شد. حجت الاسلام هاشمی در مورد جانمایی قبور شهدای گمنام در وسط حیاط کاروانسرای عباسی هم گفت: برای این تصمیم از شهدا و خانواده شهدا شرمند هستیم. این تصمیم گیری از استان و کشور انجام شد و حالا که کار انجام شده و می خواهیم حداقل یک بنای یادبود بسازیم میراث فرهنگی می گوید حق ندارید. امام جمعه آوج در ادامه نقدی هم به سیستم قضایی کرد و گفت: چرا تصمیم گرفتند ۲ قاضی شهرستان را حذف کنند؟ چرا دادسرای شهرستان حذف شد؟ وقتی شهرستانی به چالش جمعیت و سرمایه گذاری و عدم نگاه ویژه مسئولان علی رغم ظرفیت های نابی که دارد مواجه است باید تمام قوا پشت آن باشند تا رونق بگیرد نه اینکه خدمات کمتر شود. افزایش طلاق، اعتیاد، نبود پلیس راه، عدم آنتن دهی تلویزیون در برخی روستاها و گرایش مردم به ماهواره، راکد بودن بخش معدن و خام فروشی، عدم تقویت و ایجاد صنایع تبدیلی بخش دیگری از صحبت های حجت الاسلام هاشمی بود و گفت: مردم ۱۳ هکتار زمین برای دانشگاه آزاد آوج هدیه کردند اما هیچ اقدامی برای ساخت انجام نشد. امروز با چه رویی به مردم باید گفت کنار دولت باشد؟ ما کنار دولت هستیم اما توقع داریم دولتمردان هم کنار مردم باشند و این توقع به حقی است.



گزارش مهتابان | سید هادی کسای زاده | به جرات می توان گفت که حجت الاسلام سید ضیاء الدین هاشمی امام جمعه شهرستان آوج یکی از نمونه های ائمه جمعه نمونه در سطح کشور است. اولاً در دفتر او بدون تشریفات به روی همه باز است، دوم اینکه تمامی مدیران و چهره های شهرستان برای امور حتی اجرایی یا وی مشورت می کنند و از همه مهمتر اینکه بر تمامی امور شهرستان تسلط داشته و اطلاعات او حتی از برخی مدیران استان بیشتر است. گفتگوی ۶۰ دقیقه ای با امام جمعه شهرستان آوج نشان می دهد که این شهرستان باستانی عامداً با سهواً در حال فراموشی است در حالی که می تواند بعنوان یکی از مناطق مهم سرمایه گذاری اعم از توریستی، گردشگری سلامت و حتی معدن و صنعت در کشور متمایز باشد.

حجت الاسلام سید ضیاء الدین هاشمی می گوید: وقتی به محضر مقام معظم رهبری رسیدیم، ایشان با شنیدن نام آوج فرمودند: آوج «ممدوح» یعنی ستایش شده است. ایشان همچنین به ارسال نامه های متعددی از سوی امام حسن عسگری (ع) به علما و روحانیون آوج اشاره کردند. این بیانات نشان دهنده جایگاه تاریخی و مذهبی این شهر است. با این حال تمامی میراث و آثار فرهنگی و تاریخی و مناظر طبیعی و بکر این شهرستان نتوانسته نگاه مدیران عالی کشور و استان را به سمت آوج جلب کند. برای همین است که امروز که با شما گفتگو می کنم باورتان نمی شود که در شهرستانی که ۶۰ سال سابقه شهرداری دارد و جزو نخستین شهرهایی بوده که صاحب بخشداری شده یک سرویس بهداشتی عمومی برای زائران جاده کربلا و مسافران نداریم! آب و نعمات الهی بدون برنامه ریزی و ذخیره سازی رها می شود. باغات و محصولات کشاورزی ناب آوج به دلیل نداشتن سیلو و سردخانه از بین می روند و همچنان سیستم آبیاری کشاورزی به دلیل عدم نظارت ها و ارائه تسهیلات و آموزش های لازم از سوی نهادهای مربوطه به طور ۹۰ درصد سنتی انجام می شود. تاسف من از این باب است که امروز این شهر تاریخی و ممدوح در ردیف شهرهای کمتر توسعه یافته کشور از سوی استاندار قزوین معرفی شده و جوانان آن که بیشتر متخصص و تحصیلکرده هستند جای خود را به مدیران کارمندانی داده اند که با اتوبوس و سواری از شهرهای اطراف و استان قزوین هر روز به این شهرستان برای امور جاری ادارات دولتی می آیند. آیا این انصاف است؟ چرا نباید شهرستان آوج یک دامداری صنعتی داشته باشد؟ چرا نباید مجوز شهرک صنعتی داشته باشد؟ چرا امروز فاقد برخی ادارات مانند ارتباطات، تعزیرات و راه و شهرسازی باشیم و سایر ادارات هم فقط یک نفر بعنوان نماینده داشته باشند؟ روزی که شهرستان آوج همراه با شهر کرج بخش شد امروز می توانیم این دو شهر را با هم مقایسه کنیم؟ این در حالی است که این شهرستان را همانند گوشت قربانی برای بزرگتر کردن سایر شهرهای اطراف تکه تکه کردند و ۵۰ روستای از آوج جدا شد. امام جمعه شهرستان آوج در ادامه اظهار کرد: خانواده های آوجی هم همانند سایر شهرستان ها به تفریح، ورزش و اشتغال نیاز دارند در حالی که در این شهر حتی یک استخر هم نداریم. طرح های هادی روستایی

تیم کارشناسی انتخاب شده و احتمال دارد زمین را به شهرداری آوج واگذار کنیم. گفته شده در برخی از روستاها مشکل آنتن دهی تلویزیون دیجیتال دارند که این موضوع هم در حال برطرف شدن است. اما در مساله ایجاد ادارات در شهرستان باید بگویم که دولت در حال کوچک سازی است و برخی اداراتی که لازم نیست به صرف یک نمایندگی کفایت می کند. اما تامین اجتماعی هم اقدام به ایجاد کارگذاری کردیم. مدیران و مردم از نبود بیمارستان گلایه کردند که باید بگویم ایجاد بیمارستان پروتکل و قوانین خاصی در وزارت بهداشت دارد و به دلیل جمعیت موجود امکان ایجاد بیمارستان را نداریم اما دستور داده شده همین درمانگاه شبانه روزی شود و اورژانس را هم

تیم کارشناسی انتخاب شده و احتمال دارد زمین را به شهرداری آوج واگذار کنیم. گفته شده در برخی از روستاها مشکل آنتن دهی تلویزیون دیجیتال دارند که این موضوع هم در حال برطرف شدن است. اما در مساله ایجاد ادارات در شهرستان باید بگویم که دولت در حال کوچک سازی است و برخی اداراتی که لازم نیست به صرف یک نمایندگی کفایت می کند. اما تامین اجتماعی هم اقدام به ایجاد کارگذاری کردیم. مدیران و مردم از نبود بیمارستان گلایه کردند که باید بگویم ایجاد بیمارستان پروتکل و قوانین خاصی در وزارت بهداشت دارد و به دلیل جمعیت موجود امکان ایجاد بیمارستان را نداریم اما دستور داده شده همین درمانگاه شبانه روزی شود و اورژانس را هم

مهرتابان / سفر یک روزه ما به شهرستان آوج به قرار مصاحبه با هدایت الله جمالی پور استاندار قزوین به پایان رسید. اظهارات و انتقادات و پیشنهادات مردم و مسئولان شهرستان آوج را به آقای استاندار گفتیم و در پاسخ گفت: اعتبار خوبی برای احیای استخر در این شهرستان گذاشتیم و مردم آوج هم صاحب استخر شنامی شوند. در مورد مدیریت منابع آب هم باید گفت که این شهرستان جایی برای ایجاد سد ندارد و الا اقدام می کردیم. در مورد نبود سردخانه باید بگویم که به دنبال سرمایه گذار هستیم و اگر اهالی و مدیران آوج هم سرمایه گذاری داشتند می توانند معرفی کنند. در مورد ایجاد سیلو هم تفاهم نامه آن منعقد شده است. موضوع زمین دانشگاه آزاد هم



استاندار قزوین / جمالی پور

خبرهای خوش آقای استاندار

«آوج» و سیاست زدگی دولت!

□ در فاصله چند ساعته با پایتخت یکی از رویایی ترین شهرهای تاریخی و گردشگری کشور قرارداد که به دلیل سوء مدیریت مسئولان ظرفیت های آن دیده نشده و موجب مهاجرت روستائیان این شهرستان شده است.

□ گزارش سید هادی کسایی زاده
روزنامه نگار

* تصویر گزارش

مرداد ۹۹



گردشگری و کشاورزی برخوردار است، ظرفیت هایی که اگر بیشتر مورد توجه و عنایت مسئولان قرار گرفته و زمینه لازم برای ظهور و بروز بیشتر بخش خصوصی در آنها فراهم شود می تواند این منطقه از استان قزوین را به نقطه ای کاملاً توسعه یافته بدل کند. در کنار پتانسیل هایی برای فعالیت های باغبانی از جمله در محصول سیب و پرورش زنبور عسل و کشت گیاهان دارویی، آب و هوای خنک و مناطق ییلاقی، چشمه سارها و آبگرم ها در کنار غارها و برج های دوگانه خرقان بیانگر ظرفیت های قابل توجه گردشگری این شهرستان را می رساند و حتی می توانند این شهرستان را به عنوان قطب گردشگری سلامت کشور مطرح کنند. به اعتقاد بسیاری، اگر ظرفیت های گردشگری این شهرستان به خوبی معرفی و بر روی آنها سرمایه گذاری شود، این شهرستان خوش آب و هوا که در فاصله نسبتاً نزدیکی نسبت به تهران قرار دارد، می تواند مقصد بسیاری از گردشگران ویژه شهر وندان تهرانی باشد، موضوعی که هنوز آنچنان که باید و شایسته، محقق نشده است. همچنین بسیاری آبگرم در این شهرستان را با سرعین اردبیل مقایسه می کنند، با این وجود وضعیت زیرساخت های این ۲ شهر دارای چشمه های جوشان معدنی قابل مقایسه با یکدیگر نیست و دارای تفاوتی از زمین تا آسمان است که این موضوع به مشکل ناتوانی در جذب سرمایه گذاران و نبود برنامه ریزی مناسب طی سال های گذشته در این خصوص بازمی گردد. کمبود آب شرب و نبود شغل و دشوار بودن تامین معیشت در کنار عدم دسترسی به برخی امکانات رفاهی همچون بیمارستان و فقدان راه های ارتباطی مناسب نیز موجب شده تا بسیاری از روستائیان این شهرستان تصمیم به مهاجرت بگیرند و بدین شکل بعضی از روستاهای آوج طی سال های گذشته خالی از سکنه شده اند. در این هفته نامه سعی کردیم این شهرستان محروم را به مسئولان عالی کشوری نشان دهیم تا بدانند که می توان از گنجینه های طبیعی و تاریخی کسب ثروت و سرمایه کرد اما آنها از غافلند. باید گفت که دولت اعتقادی به سرمایه گذاری در شهرهای برخوردار ندارد چون سیاست بازی حاکم بر مدیریت است.

شهرستان آوج یکی از شهرستان های استان قزوین، و به مرکزیت شهر آوج با مساحت ۲۷۳۶ کیلومتر مربع و جمعیت حدود ۴۶ هزار نفری است. مرکز شهرستان شهر آوج و در ۱۱۰ کیلومتری جاده قزوین به همدان در منطقه ای کوهستانی واقع شده که دارای تابستان های بسیار خنک و زمستان های پر برف است. مکان های دیدنی فراوانی در این شهرستان وجود دارد که از جمله مهم ترین آن ها می توان به دره سرسبز روستای توآباد، برج های دوگانه خرقان واقع در روستای حصار ولیعصر، کاروانسرای شاه عباسی آوج، آبگرم معدنی شهر آبگرم، تفرجگاه علی بولاغ در روستای ارتش آباد، درخت کهنسال روستای پروان، آبشار و پل معلق شاه دره آوج، آبشار روستای منصور، غار قلعه کرد، غار عباس آباد، امامزاده های روستای کلنجین، امامزاده اسماعیل، کوه بلند آق داغ، کهن سرزمین روستای وروق، طبیعت روستای مشانه، روستاهای دیدنی کامشکان، اروان، اسماعیل آباد، نیریچ، شهیدآباد، قهوج، قیرخ بولاغ (چهل چشمه)، روستای منصور، امامزاده علاءالدین، چوبینه، چنگوره، روستای یق و... نام برد. این شهرستان از شمال با شهرستان تاکستان و از شرق با شهرستان بوئین زهرا و از سمت غرب با استان زنجان و از سمت جنوب با استان همدان، انواع مرکزی همسایه است. محصولات مهم در این شهرستان انواع سیب، انواع هلو، زردآلو، گردو، بادام، گندم، گوجه فرنگی و... است و با دو بخش آوج و آبگرم شهرستان را شکل می دهند. از نظر تاریخی برخی از روایات سابقه تاریخی این منطقه را به دوران مادها (۷۰۸ قبل از میلاد) می رساند. آوج در سال ۹۰ شهرستان شد اما پس از گذشت بیش هفت سال از ارتقا به شهرستان با کمبودهای زیادی دست و پنجه نرم می کند به طوری که هنوز برخی ادارات و دستگاه ها در این شهرستان مستقر نشده اند و یا این منطقه هنوز به دلایل مختلف از داشتن خدماتی چون بیمارستان و یارهای ارتباطی مناسب محروم است.

این شهرستان نوپا با وجود اینکه در ردف شهرستان های محروم و کم تر توسعه یافته کشور قرار دارد اما از ظرفیت های قابل توجهی در بخش

«آوج» میزبان المپیک می شود؟

□ مسئولان شهرستان آوج معتقدند که این شهرستان بر اساس نظر کارشناسان قابلیت میزبانی ورزشکاران المپیک را دارد اما این ظرفیت تا تفکر میزبانی المپیک هم قابل تامل است.

اظهار کرد: اگر زیرساخت های لازم از سوی دولت تامین شود سرمایه گذار برای اجرای این طرح هستند و اعلام آمادگی هم کردند. موضوع انفجار ایستگاه گاز سی ان جی آوج که منبع درآمد شهرداری است هم پرسش بعدی از آقای ابوالحسنی بود که در پاسخ گفت: ما با ۲۰۰ میلیون تومان به جای ۲۰۵ میلیارد تومان ایستگاه را درست کردیم و ۱۰ روز هم کار کرد اما امروز نیازمند دستگاه «درایر» هستیم که متاسفانه دست یک پیمانکار در کل کشور است و سایرین جرات نمی کنند وارد شوند و می گویند چون او وارد شده ما نمی آئیم. از وزیر کشور و وزیر نفت می خواهیم در این مورد به ما کمک کنند. اظهارات رئیس شورای شهر آوج در حالی است که بخش زیادی از منابع درآمدی دولت صرف طرح هایی می شود که با فشار برخی نمایندگان مجلس با وجود غیرضروری بودن هزینه می شود. شاید با مبلغ همین قرارداد آقای ویلموس و همکاری که بالغ بر ۱۱۲ میلیارد تومان می شود طرح ایجاد دهکده المپیک کلید می خورد و دولت می توانست با این مبلغ زیرساخت های لازم را برای سرمایه گذار تامین کند. با ظرفیتی که آوج دارد می توان گفت که میزبانی المپیک در ایران را می توان در این منطقه سرمایه گذاری کرد.

همراه با المان شهدا را اجرایی کند. اما متاسفانه هنوز پس از ۵ ماه تحویل زمین رسمی نشده است. همچنین طرح پایتخت جوانمردی ایران در آوج به تاصی از زادگاه جوانمرد ایرانی (طیب حاج رضایی) در این شهرستان در دستور کار شورای شهر و شهرداری آوج قرار گرفته است. شهرستان آوج با شب های پرستاره، رودخانه هایی که توانایی جذب گردشگر از طریق پیاده روی در آب و منابع طبیعی خاص دارد همراه با ارتفاع ۲۰۰۰ متری از سطح دریا بستری شد که طرح ایجاد مجموعه بزرگ ورزشی ورزشکاران المپیک، حتی کارشناسانی هم از وزارت ورزش و جوانان با اطلاع آقای داورزنی معاون وقت وزیر ورزش برای بازدید آمدند اما متاسفانه پیگیری و اجرایی نشد و از وزیر ورزش و جوانان می خواهیم روی آوج و این طرح برنامه ریزی و سرمایه گذاری کند. چراکه به دلیل مسافت کم با پایتخت و دسترسی جاده ای و حتی هوایی از طریق فرودگاه همدان و امام خمینی (ره) موقعیت خوبی برای بازیکنان و ورزشکاران المپیک ایران است. حضور میهمانان، گردشگران و ورزشکاران ایرانی و خارجی در منطقه توریستی آوج می تواند این شهرستان را همانند دوران خاص خودش از ظرفیت و قابلیت بالایی برخوردار کند. رئیس شورای شهر آوج همچنین

به گزارش خبرنگار مهرتابان، اسدالله ابوالحسنی رئیس شورای شهر آوج در گفتگویی کوتاه از برخی مشکلات و چالش های این شهر در بخش مدیریت شهری گفت. ابوالحسنی با اشاره به درآمد کم مردم در این شهرستان گفت: چطور می توانیم از این مردم با عوارض و هزینه پروانه ساخت منابع مالی شهرداری را تامین کنیم؟ وقتی ۹۹ درصد مردم شهر درآمد متوسطی ندارند. این در حالی است که ۶ ماهه کارگران شهرداری حقوق دریافت نکرده اند. رئیس شورای شهر آوج در پاسخ به اینکه بودجه شهرداری آوج چقدر است گفت: امسال این بودجه ۳۰۵ میلیارد تومان برنامه ریزی شد اما تاکنون ۵۵۰ میلیون اختصاص داده شده در حالی که فقط ۴ میلیارد تومان بدهی داریم. اظهارات ابوالحسنی در حالی که برخی روستاهای جنوب تهران بودجه سالانه ۴۰ تا ۵۰ میلیارد تومانی دارند! یکی از منابع خوب درآمدی شهرداری آوج ایستگاه گاز سی ان جی و همچنین پل معلق است که رئیس شورای شهر از عدم تحقق درآمد از این دپوژنه توضیح داد: این پل برای شهرداری ۱۳ میلیارد تومان هزینه داشت و قرار شد آن طرف پل معلق زمین های منابع طبیعی به نام شهرداری آوج شود و سرمایه گذار بتواند مجتمع بزرگ فرهنگی-تفریحی



□ گفتگو

بودجه آوج
اندازه یک
روستا است!

پیغام یک زندانی برای رئیس

کیفری یک استان خوزستان رفت. امروز که با شما (سید هادی کسایی زاده) از زندان صحبت می‌کنم ۳ سال است که پرونده در دادگاه مانده و هیچ اقدامی نشده است. چرا در قانون کشورمان زمان بندی برای ارسال پرونده از دیوان به دادگاه نداریم؟ به خدایم اگر ۱۰ سال دیگر هم بگذرد هیچ کسی نمی‌گوید پرونده من چه شد؟ من حتی سند لازم را برای آزادی هم ارائه کردم اما توجهی به آن نشده است. این زندانی از رئیس قوه قضائیه خواست تا اولاً برای یک بار پرونده او پیگیری شود. دوم اینکه این نقطه ضعف قانونی در پرونده های دارای نقض در دیوانعالی تنقیح شود تا زندانیان مانند او اینطور بلا تکلیف در زندان نمانند. به دلیل محدودیت هایی تماس با این زندانی ادامه پیدا نکرد و خواسته های او را در این نشریه منتشر می‌کنیم تا رئیس قوه قضائیه دستور پیگیری صادر کنند. شاید این قانون هم تنقیح شود.

نامش آرش کرد زنگنه است که از زندانی در خوزستان با من تماس گرفت و گفت: سال ۱۳۹۰ در منطقه رامهرمز خوزستان همسایه خانه پدری هنگام ساخت خانه بدون مجوز ۶۰ متر از خانه پدری را هم تصاحب کرد. ۳ سال کار شکایت طول کشید اما با تعجب حق را به همسایه متصرف دادند. تا اینکه متأسفانه در یک درگیری خونین برادرانم با اسلحه همسایه ها را به گلوله بستند و محکوم شدند. من خودم را به تهران رساندم و دیداری با آقای رضویان رئیس دفتر وقت آقای محسنی اژه ای معاون اول قوه قضائیه داشتم. تا اینکه دادستانی شهرستان رامهرمز تماس گرفت و گفتند خودم را معرفی کنم. با تعجب مشاهده کردم به اتهام معاونت در قتل دستگیر شده ام. و بدتر از همه اینکه اتهام محاربه را هم به من تفهیم اتهام کردند. در نهایت با حکم دادگاه به ۲۵ سال حبس محکوم شدم اما این رای در شعبه ۱۶ دیوانعالی کشور نقض شد و پرونده به شعبه ۲ دادگاه



سخن زندانیان

نشش سال
بلا تکلیفی

روایت یک پرونده قضایی که صدای سوت می‌دهد

بن بست ۳۰ ساله یک پرونده قضایی

این گزارش را شخص رئیس قوه قضائیه بخواند. شاید صدای یک سوت شنیده شود.

گزارش
سید هادی کسایی زاده



مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی و خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه بردم اما هیچکدام اقدامی نکردند. مگر رسانه ها حامی مردم نیستند؟ من برای تمام حرف ها و اظهاراتم دلیل و مدرک و سند دارم. وقتی سند تک برگ و رسمی زمین به نام من و در دست من است چرا باید حکم قطعی دادگاه تجدید نظر که ۲ بار هم صادر شده اجرا نشود؟ بر اساس این گزارش، در اظهارات علیرضا اسماعیلی به نوعی ادعاهایی از فساد و تخلف دیده می‌شود اما به دلیل اینکه هنوز جرمی ثابت نشده نمی‌توانیم آن را رسانه ای کنیم.

و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ با ظاهر استناد می‌کنند. چرا که طبق ماده ۸ قانون آیین دادرسی هیچ مقام رسمی و دولتی نمی‌توان مانع اجرای حکم شود و آن را تغییر دهد. مگر به دستور دادگاه صادرکننده حکم و یا مراجعه بالاتر که تحت شرایط خاصی شکل می‌گیرد. اما متأسفانه آقایان طی یک اقدام هدفمند و غیرقانونی و خارج از صلاحیت و اختیارات خود حکم را تغییر دادند و تلاش کردند املاک مربوطه را که کل دارایی من و مادرم است از دست ما خارج کنند.

صاحب یک زمین پس از ۳۰ سال و با داشتن سند رسمی و حکم قطعی دادگاه هنوز نتوانسته است زمین خود را از یک نهاد دولتی پس بگیرد!

لذا از آیت الله رئیسی و همچنین دادستان کل، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه می‌خواهیم با توجه به اعلام و انتشار شماره پرونده این شهروند در گزارش موضوع را بررسی کنند. بعنوان روزنامه نگار با بررسی مدارک نامبرده می‌توانم بگویم ارتباط زیادی با سوت مورد نظر داشته باشد. در هر حال هر چند سایر همکاران و رسانه ها از انتشار مشکلات مردم ابا دارند و شاید هم می‌ترسند منافع شان در خطر بیفتد اما با افتخار و با رعایت حقوق شهروندی و طبق قانون مطبوعات اظهارات آقای علیرضا اسماعیلی را منتشر کردیم تا مشکلات او و مادر پیر و بیمارش برطرف شود. امیدواریم که مسئولان دستگاه قضایی ساز و کار بهتری برای ارتباطات مردمی بیابند. هفته نامه مهرتابان بر اساس رسالت روزنامه نگاری تظلم خواهی یکی از شایگان در پرونده قضایی را با رعایت حدود منتشر کرد تا رئیس قوه قضائیه و مسئولان عالی قضایی آن را مورد بررسی قرار دهند. البته این تنها مورد و پرونده رسیده به دست سردبیر هفته نامه نیست بلکه تعدادی زیادی از این موارد و گلایه ها و نقدها به دادگاه ها و دستگاه قضایی ارائه می‌شود که اگر اهمیت داشته باشد و قابلیت انتشار داشته باشد آن را بازگو خواهیم کرد. امیدواریم در صورت بررسی به ما اطلاع دهید.

شاکتی پرونده (علیرضا اسماعیلی) می‌گوید: طبق همین قانونی که آقایان استناد کردند دستگاه مورد شکایت کار عمرانی و نظامی و عمومی انجام نمی‌دهد و زمین بلااستفاده رها شده است و متعجب هستم که با این ماده قانونی اجرای حکم قطعی را متوقف کردند. شاکتی پرونده می‌گوید: دادگاه فقط با یک کارشناس زمین را ارزش گذاری کرده و میلیاردها تومان زمین را با ارزش گذاری ۲۰۰ میلیون تومان از سوی متصرف خریداری و به صندوق واریز کردند. بعد هم نوشتند پرونده به دلیل واریز پول و اجرای حکم مختومه شده است. به اعتقاد من این اقدامات همه برنامه ریزی شده و هدفمند بوده چون آنها با ۲۰۰ میلیون تومان ملک چندین میلیاردی را حراج کردند.

علیرضا اسماعیلی می‌گوید: من نمی‌دانم باید به کجا دیگر شکایت کنم؟ حفاظت اطلاعات قوه قضائیه هم رفتن و اعلام کردم دستانی نمی‌گذارند حکم قضایی که چندین بار مورد تأیید قرار گرفته اجرایی شود. اما آنها پاسخی ندادند. من حتی از مسئولان قضایی استان و شهرستان که تصور می‌کردم شاید قصور کرده باشند به دادگاه انتظامی قضات شکایت کردم. جالب اینکه به من گفته شد تخلف آنها محرز است اما اقدامی نشد. کاش حداقل می‌توانستم برای یک بار هم شده پرونده من را رئیس حفاظت اطلاعات قوه قضائیه یا شخص رئیس دستگاه قضا می‌خواند و به نکات قابل تاملی پی می‌برد. من کارخانه تولید لامپ کم مصرف داشتم و زندگی ام را برای این پرونده باختیم. مگر نمی‌گفتند از تولید کننده و مردم مظلوم حمایت می‌شود؟ چرا کسی صدای من را نمی‌شود؟ به مرکز ارتباطات مردمی قوه قضائیه هم تماس گرفتم و حتی نامه زدم اما باز هم تأثیری نداشت. آقای رئیسی مگر شما نگفتید سوت بزنید. خب من رسماً دارم سوت می‌زنم. با تمام وجود فریاد می‌زنم اما بی نتیجه! مگر شما نگفتید با تخلفات درون قوه قضائیه با قطعیت برخورد می‌کنیم؟ من مدارک و پرونده و اظهاراتم را برای رسانه ای شدن به خبرگزاری

کمی عصبانی بود اما با آرامش به حرف هایش گوش دادم. به قوه قضائیه معترض بود که چرا وقتی همه اسناد و مدارک نشان می‌دهد حق با او است اما حق را به او نمی‌دهند! در روزگاری که شعار سوت زنی تیتتر رسانه ها شده و برخی از این راه نان و روغنی می‌خورند بهتر است صدای سوت ها به گوش مسئولان عالی قضایی برسد. اما انگار دسترسی به رئیس و معاونان قوه قضائیه بسیار سخت تر شده است. با این حال رسانه تلاش می‌کند تا بر اساس ماده ۳ قانون مطبوعات (مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند). رسالت خود را به درستی انجام دهد.

نامش علیرضا اسماعیلی است، کارآفرین ۵۰ ساله تبریزی که این روزها زندگی خود را پشت خودروسواری خود گذاشته و همراه با مادر ۹۰ ساله اش مسیر تبریز-تهران را برای اجرای حکم طی می‌کند. ماجرای پرونده او از این قرار است که پدرش حدود ۳ هکتار زمین در کنار جاده شهرستان اهر به سمت مشکین شهر با کاربری زراعی داشته که از سال ها قبل به طور عدوانی و غیرعدوانی تحت تصرف غیر بوده است. پدر علیرضا از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳ در راهرو دادگاه ها پیگیری پس گیری زمین می‌شود تا اینکه حکم قلع و قمع زمین صادر می‌شود. اما عمر او دیگر کفاف نداده و از دوردنیا می‌رود. زمین پدر بر اساس قانون به فرزندان می‌رسد و سند تک برگ رسمی با طرح کاداستر صادر می‌شود. یکی از فرزندان (علیرضا) به دلیل اینکه حکم اجرایی نشده دوباره پرونده را پیگیری می‌کند و در سال ۱۳۹۳ قاضی «جوادمردانی» رئیس شعبه ۲ شهرستان اهر پرونده را بررسی کرده و در سال ۱۳۹۶ یعنی پس از ۳ سال اطلاع دادرسی حکم خلع ید و قلع و قمع زمین را صادر می‌کند. پرونده آقای علیرضا اسماعیلی به شماره ۹۳۰۹۹۸۴۱۳۲۶۰۰۹۰۵ با اعتراض نهاد دولتی به دادگاه تجدیدنظر می‌رود و بالاخره در سال ۱۳۹۷ طی دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۴۱۳۷۵۰۰۵۳۸ حکم خلع ید و قلع و قمع زمین تأیید و حکم قطعی صادر می‌شود. حکم به اجرای احکام رفته و به دستور کتبی قاضی اجرای احکام آماده اجرا شدن می‌باشد. اما ناگهان همه چیز تغییر می‌کند. با ورود معاون قضایی دادگستری آذربایجان شرقی و دستور وی خطاب به قاضی دادگاه بدوی و قاضی اجرای احکام، اجرای حکم متوقف شده و حکم به کلی تغییر می‌کند. آنها به استناد لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی

در اسلام زندان نداریم؟

□ روایت شده که در زمان پیامبر (ص) چیزی بعنوان زندان نبوده و بر خورد با مجرمان بر اساس اخلاق و حبس های کوتاه مدت در مسجد بوده و یا میان مسلمانان تقسیم می کردند تا از آنها نگهداری شود.

زمان اعدام نداشت/ سنتش را مرتضی چون قهرمان پیموده بود/ وی سماحت (جوامرادی) زنده کرد و بر کسی حصری نداشت/ آن رسول بخشش بکرد حاطبی جاسوس را/ با پناهجو رحمتی، اصلا پناهنده به غیر هرگز نداشت/ آن رسول و مرتضی ملک زمین مالک نشد/ هر دو حاکم را به عصر خود زمین خواری نداشت/ مصطفی و آن امام آزاد گذاشت هر گفته ای/ ناظران بودند به امت حکم به استبداد نداشت/ گر گرفتند دشمنی در جنگ اسیر/ مصطفی و مرتضی بر اسیر اعدام نداشت/ بر اساس این گزارش با توجه به روایات، در صدر اسلام محل ویژه ای برای زندانی کردن افراد وجود نداشته و اسیران را یا در مسجد به طور موقت نگهداشته



مهرتابان / واژه «سجن» با مشتقاتش در نه مورد از آیات قرآن مجید در سوره یوسف به مناسبت زندانی شدن این پیامبر بزرگ و پاکدامن به کار رفته است. به عنوان نمونه در آیه ۳۸ سوره یوسف آمده: «یا صاحِبِ السُّجُنِ اَرْيَا بَئ مَفْرُقُونَ خَيْرٌ اَمْ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؟ اَيُّ دُوْستانِ زَنْدَانِي مِنْ! اَيُّ اَخْدَايَانِ پَرَاكَنْدِه بَهْتَرَنْد، يا خدواند يكتای پیروز؟! واژه سجن یک مورد هم در سوره شعراء، آیه ۲۹ دیده می شود که به داستان فرعون اشاره دارد که موسی بن عمران را تهدید به سجن می کند: «لَنْ اَتَّخِذَ الْهٰٓءِ غَيْرِيْ لَاجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُوْنِيْنَ» اگر معبودی را جز من برگزینی، تو را از زندانیان قرار می دهم». اما سوال این است که آیا در اسلام و جمهوری اسلامی

و یا در میان مسلمین که با حکومت وقت همکاری صمیمانه داشتند تقسیم می کردند تا از آنان نگهداری کنند. در حدیث آمده است که حضرت رسول اکرم (ص) مردی از طایفه بنی حنیفه که او را شمامه بن آتال می گفتند و بزرگ طایفه بود در مسجد مدینه حبس کرد. حضرت رسول اکرم (ص) همواره زنجیر کردن اسرا و زندانیان را نپسندیدند و در صدر اسلام زن و مرد زندانی از هم جدا نگهداری می شدند. در روایات آمده است که رسول اکرم (ص) افراد را در اتهام خون، حبس می فرمودند و در اتهامات دیگر، مقداری از روز را حبس می کردند. روش مذکور همان روش نیمه آزادی است که امروز در کشورهای مترقی اجرا می گردد. در زمان عمر بن خطاب که سرزمین مسلمانان وسعت یافت و بر تعداد امت مسلمانان افزوده شد نیاز جامعه به زندان بیشتر مشهود گردید. عمر در مکه خانه ای را از سفوان بن امیه به چهار هزار درهم خرید و به زندان اختصاص داد. بعد زندان هایی در شهرهای مختلف بنا و اکثر آنها به همان شهر نامیده شد.

از ویژگی های زندان های آن زمان تفکیک زندانیان به شرح زیر بود: زندان خاص بزهکارانی که به علت عدم پرداخت بدهی بازداشت می شدند. زندان مخصوص سارقین، زندان سایر خطاکاران. با این حال زندان هایی که امروز در کشور مشاهده می شود بسیار با زندان هایی که در اسلام آمده متفاوت است. وقتی قضات می توانند مجازات جایگزین حبس بدهند و یا می توان از ابزارهای دیگری مانند پابند الکترونیکی استفاده کرد چرا باید گروه زیادی از افراد به خصوص جرائم غیر خشن در زندان باشند؟ این مهم نیازمند بازنگری ویژه و فوری در قانون و بخشنامه ها است. همچنین قضات هم باید در این خصوص آموزش ببینند و قضاتی که مجازات جایگزین حبس می دهند باید از سوی قوه قضائیه تشویق و ترغیب شوند. البته پژوهشگاه قوه قضائیه در حال مطالعه است که ثمر دهد!

اصول اخلاقی بوده است و همین اخلاق خود پایه گذاری زندان زدایی است. در روایتی نقل شده است: حاطب ابن ابی بلتعہ از صحابه رسول خدا (ص) که مسلمان شد به مدینه رفت و خانواده او در مکه باقی ماندند. قریش از او خواست که به وی نامه ای بنویسند و بپرسند که آیا محمد (ص) می خواهد به مکه حمله کند یا نه؟ همسرش نامه او را نوشت و برای او فرستاد. حاطب ابن ابی بلتعہ در حالی که اجازه چنین کاری نداشت و اقباشی اسرار مسلمانان بود پاسخ نامه را به همسرش نوشت که آری محمد (ص) می خواهد به مکه حمله کند و نامه را به زنی به نام صفیه داد تا به مکه برساند. در این هنگام جبرئیل نازل شد و پیامبر را آگاه کرد. پیامبر دستور داد این زن را یافته و نامه را از او بازستانند. وقتی حاطب ابن ابی بلتعہ را

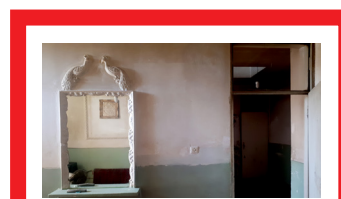
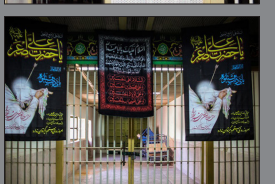
هر حکومتی که مدعی حکومت اسلامی پس از پیامبر (ص) و امام علی (ع) است ابتدا باید عدالت را در جامعه بعنوان زیرساخت حکومت برقرار کند و بعد به دنبال اجرای حدود الهی باشد.

نزد پیامبر آوردند او قسم یاد کرد خیانت نکردم و نفاق نورزیدم و برای حمایت از خانواده ام که نزد قریشیان بود دست به این کار زدم. تا به او آزاری نرسانند. پیامبر عذر او را پذیرفت و او را بخشید. و سوره ممتحنه در همین رابطه نازل شد و حاطب ابن ابی بلتعہ هم سفیر پیامبر در نزد پادشاه مصر شد. دکتر علی فایضی در بخشی از اشعار در این خصوص چنین سروده اند: شد رسول حاکم به اخلاقش ولی زندان نداشت/ مرتضی مثل رسول حاکم بشد زندان نداشت/ مصطفی فتح کرد ز اخلاقش همی آن مکه را/ سنتش بر ما بماند، هیچ

باید درب زندان به روی تمامی شهروندان باز باشد؟ آیا آمار ۲۷۰ هزار زندانی در جمهوری اسلامی ایران آماری معقول و درستی است؟ دبیرو اجرای کانون همبستگی فرهنگیان ایران می گوید: در دوران ریاست آیت الله یزدی که حجت الاسلام رئیسی آن زمان رئیس سازمان بازرسی کل کشور بودند طرحی را به نام «زندان زدایی مطرح کردیم. در این طرح گفته شد که در سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) زندان به معنی امروز وجود نداشته است چون زیرساخت های حکومت به درستی بنا نشده بود. در این باب گفته شد که عدالت مهمترین و بزرگترین زیرساخت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در جامعه است. وقتی امام علی (ع) مستمری ۳ دیناری می دادند مردم و حکومتی ها از نظر مادی تامین بودند برای همین دزدی به شکل امروز شکل نمی گرفت و اگر فردی دزدی می کرد دستش را قطع می کردند. لذا هر حکومتی که مدعی حکومت اسلامی پس از پیامبر (ص) و امام علی (ع) است ابتدا باید عدالت را در جامعه بعنوان زیرساخت حکومت برقرار کند و بعد به دنبال اجرای حدود الهی باشد. وقتی مردم از نظر مالی تامین باشند و دغدغه حداقل های زندگی را نداشته باشند بسیار کمتر از امروز به دنبال سرقت، اختلاس، ربا و ... می روند و اگر فقر جمعیت پیدا کند قطعاً حکومت و جامعه به فساد آلوده خواهند شد. در روایات و قرآن جایی در مورد ایجاد زندان و محبوس کردن افراد در دوران پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) شنیده و روایت نشده است. برای همین آن زمان به قوه قضائیه کمک کردیم تا طرح زندان زدایی اجرایی شود. البته در این طرح تبصره هایی هم وجود دارد. بعنوان مثال در جرائم سنگین و خشن مانند زورگیری، محاربه، قتل، تجاوز و ... حکم زندان لازم است. هر چند این طرح آن طور که باید و شاید اجرایی نشد و تبعات آن کاملاً مشهود است. با این حال مبنای حکومت پیامبر و ائمه اطهار اخلاق و رعایت و اجرای

گزارش تصویری
زندان بزرگ پایتخت در
منطقه حسن آباد شافویه

عکس از سید هادی کسایی زاده



پرونده ای مشکوک در یک روستای تهران

گنج پنهان در شترخوار!

خانواده مدعی هستند که به دلیل گنج پنهان در این خانه مورد تهدید و حتی ضرب و شتم قرار گرفته اند. هم اکنون هم پرونده ضرب شتم آنها در دادگاه به شماره ۹۸۰۹۹۸۲۲۹۲۶۰۰۵۹۷ رباط کریم در حال بررسی است. هر چند گفته های آنها نیاز به دلیل و مدرک و مستندات دارد اما چرا وزارت میراث فرهنگی و گردشگری به خودش زحمت نداده تا این ادعا را با حضور کارشناسان اثبات کند؟

نامه آنها که در دبیرخانه وزارتخانه هم ثبت شده گواهی می دهد که آنها اقدام قانونی را انجام دادند. لذا در صورت هرگونه تعرض یا خطر از سوی سوجدجویان این وزارتخانه هم باید در دادگاه صالحه پاسخگو باشند.

قیمت مشتری چند میلیارد تومانی معرفی کردند. یک بار هم یکی از آشنایان دستگاهی با خود به خانه آورد که مشکوک بود. فشارها به نحوی شد که اشتهادهای برعلیه ما پر کردند که آبروی من و خواهرهایم را ببرند. برای همین مدتی از خانه خارج شدیم و در بهزیستی بودیم. برای اثبات ادعاها نامه ای به میراث فرهنگی کشور به شماره ۹۸۱/۳۱۹۲۸ مورخ ۱۴ بهمن ۹۸ نوشتیم و نامه ای هم به پروانه سلحشوری نماینده وقت تهران به شماره ۹۸۲۸۳۶۹۶ مورخ ۲۱ بهمن ۹۸ نوشتیم که ترتیب اثری داده نشد. این خانواده که هم اکنون تحت پوشش کمیته امداد هستند. آنها سخن از یک اتاقک کوچک در زیر خانه می گویند که از همسایه ها و آشنایان شنیده اند. این

مهرتابان/کسایی زاده / طی تماس یکی از اهالی روستای شترخوار در شهرستان رباط کریم به این روستا رفتیم. این خانواده ۴ نفره که به سرپرستی یک مادر سالمند و بیمار زندگی می کنند مدعی بودند که در خانه آنها گنجی پنهان است و گروهی از اهالی و حتی مسئولان قصد دارند این خانه را از جنگ آنها بیرون بیاورند. یکی از دخترهایم گفت: پدرم کارگر بود و در بهمن ماه ۹۷ از دار دنیا رفت. وقتی در قید حیات بود گروهی از همسایه ها و دوستان به او می گفتند زیر خانه شما گنجی پنهان است و او به گفته آنها بی اعتنا بود و می خندید. وقتی پدرم فوت کرد اقدامات مشکوکی رخ داد. برخی همسایه ها پیشنهاد دادند خانه را بفروشیم حتی برای یک خانه ارزان



ماجرای یک شامپانزه و بنیاد مستضعفان

بچه شامپانزه ۳ ساله باغ وحش «ارم» اسیر قفس شده در حالیکه به گفته کارشناسان او تا ۲ و ۳ سال آینده هنوز نیاز به مراقبت مادر دارد. نامش «باران» است و با تولد نارس مرگش قطعی بود اما به خواست خدا و تلاش شبانه روزی دامپزشک وقت باغ وحش ارم زنده ماند. حدود ۳ سال در باغ وحش ارم متعلق به بنیاد مستضعفان و حتی خارج از ارم با مجوز محیط زیست توسط «ایمان معماریان» دامپزشک حیات وحش مراقبت شد تا با شکایت سازمان محیط زیست از ارم، باغ وحش هم از دامپزشک شکایت کرد و در نهایت با یک دستور از سوی بازپرس پرونده مقرر شد شامپانزه به ارم برگردد. در حالیکه امکان زندگی مستقل و تنها در قفس را نداشت. محیط زیست در پاسخ به استعلام‌های بازپرس پرونده اعلام کرد: «باغ وحش مناسب نگهداری است». در جلسه‌ای که ۴ تیرماه سال جاری در باغ وحش با حضور نمایندگان محیط زیست و نماینده هلدینگ سیاحتی پارسیان زیر مجموعه بنیاد مستضعفان تشکیل شد صورتجلسه‌ای تنظیم شد تا دامپزشک ۳ ماه در قفس ۲۴ ساعته مراقب بچه شامپانزه باشد. هنوز این زمان به پایان نرسیده بود که سازمان محیط زیست وارد عمل شد. در جلسه‌ای با حضور ۱۱ نفر تصمیم گرفتند که بچه شامپانزه تنها در قفس بماند در حالیکه محیط زیست هزاران موضوع بر زمین مانده دارد، مثلا حیوانات بسیاری در اثر سوء مدیریت در باغ وحش‌ها تلف می‌شوند و صدها کل و بز وحشی در اصفهان با ابتلاء به طاعون به کام مرگ رفتند و هیچ دادگاهی برای مرگ آنها تشکیل نشد. دیگر از آن تاریخ هیچ اطلاعی از بچه شامپانزه در دسترس نیست، ارم صرفا با انتشار یک عکس در صفحه اینستاگرام خواست از سلامت او خبر دهد که با هجمه و پرسش‌ها و مطالبه فعالان حقوق حیوانات به سادگی پست مربوطه را با بیش از ۴۰۰ کامنت پس از ۴ ساعت حذف کرد. نکته مهم این است که آیا اتفاقی که برای باران افتاده مصداق حیوان آزاری است؟ موضوعی که شاید لازم باشد به آن پاسخ داد و از مراجع قانونی پیگیری آن شد، وقتی اقتضای زیستی یک حیوان زندگی گروهی است تنها گذاشتن آن یعنی آزار رساندن به او، وقتی همه آگاه شدیم که شامپانزه‌ها با ۹۸.۶ درصد شباهت ژنتیکی بیشترین درک را نسبت به محل نامناسب دارند باز هم تنها نگهداشتن یعنی آزار که توسط محیط زیست درک نشده چرا که اساسا ما متخصص حیات وحش در ایران نداریم.

صفحه آخر گفتمان

هفته نامه سر اسری مهریابان

شماره: ۲۲۷
۱۸ شهریور ۱۳۹۹
کانون همیستکی فرهنگیان ایران
سر دبیر: سید هادی کسایی زاده
تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴
تهران-خیابان دستواره-خیابان
غیبی-پلاک ۵

پیامبر اکرم (ص): هر کس بعد از آن که خداوند، شراب را به زبان من حرام فرموده، شراب بنوشد، شایسته آن نیست که هر گاه خواستگاری ای کرد، به او زن بدهند.

شعر از دکتر حسینعلی مهابادی

تا خدا روزی دهد خودرن
زهر خوان کی رواست / طالب
روزی شدن از خوان هر خان کی
رواست / اشرف مخلوق هستی
و خلیفه بر زمین / منت خلق از
برای لقمه ای نان کی رواست /
گر نداری مکن بخشش چو
حاتم عیب نیست / ای مسلمان
خوردن از حق مسلمان کی
رواست / گر بود منفور جغد و
گر صدایش نیز شوم / گوش
نسیپردن به آوای هزاران کی
رواست



ویژه روحانیت؛ از ماه غسل ناتمام تا هبه جوجه!

سمیه جعفری / خبرنگار / حجت الاسلام علی اصغر ولایتی، روحانی قصه مامتولد ۱۳۳۷ است و ۳۲ سال سن دارد و چهار سال است که ازدواج کرده و عن قریب پدر خواهد شد. پدر و مادرش اهل شهر قیدار نبی هستند ولی خودش بزرگ شده زنجان است. همسرش هم همراه همیشگی او در کارهای خانه و خارج از خانه، از زمانی که کرونا آمده در منزل ماسک می‌دوزد تا پایه‌های همسرش در خدمت به مردم کوتاهی نکرده باشد. می‌گوید: دو جوان که چهار سالی بود نامزد کرده بودند به دلیل شرایط مالی به مشکل خورده بودند و پدر عروس هم به دلیل اینکه در این مدت داماد نتوانسته بود خواسته‌های آنها را بر آورده کند، از داماد می‌خواست تا دخترش را طلاق دهد. به محض اینکه از این قضیه خبردار شدیم و شرح ماجرا را گفتند، وارد قضیه شدیم و سعی کردیم پادرمیانی کرده و کاری کنیم که خلای ناکرده زندگی این دو جوان شروع نشده به خط پایان نرسد، که خوشبختانه توانستیم در این زمینه موفق شویم و امروز هم به همت خیرین و با همراهی بچه‌های مسجد این دو جوان راهی خانه بخت شدند. وقتی مطلع شدیم زندگی آینده این دو جوان به مشکل خورده و پدر عروس هم به دلیل حرف مردم بر آنها سخت گرفته با مشورت همسرم قرار شد مبلغی را که برای سفر شمال در نظر گرفته بودیم به آغاز زندگی این دو جوان اختصاص دهیم. این در حالی است که از زمانی که ازدواج کرده بودم قول داده بودم تا همسرم را به یک سفر شمال ببرم تا مثلا ما هم ماه عسلی به قول امروزی‌ها داشته باشیم، از همان روزهای نخستین ازدواج پول پس انداز می‌کردیم تا این سفر را محقق کنیم، ولی نمی‌شد تا اینکه حدود یک میلیون و پانصد تا یک میلیون و هشتصد هزار تومان جمع کردیم و تلاش داشتیم که این امر را محقق کنیم که این ویروس لعنتی و منحوس از راه رسید و همه را درگیر خودش کرد.

البته همسرم خودش قلکی را که برای جمع‌آوری پول اختصاص داده بودیم شکست و پس از جمع‌آوری پول آنها با رضایت کامل برای خرج عروسی این دو جوان اختصاص داد و از من خواست هر کاری که می‌شود کرد را انجام دهم. به همت فعالان گروه‌های جهادی برایشان یک عروسی خودمانی گرفتیم و با این پول هم برایشان آتلیه گرفتیم، ماشین عروس تزئین و مراسم گرفتیم تا زندگی خود را آغاز کنند، البته با کمک خیران هم برایشان منزلی با ۱۰ میلیون تومان پیش و ۴۰۰ هزار تومان کرایه ماهیانه اجاره کردیم، تا زندگی خود را آغاز کنند. وی همچنین از طرح واگذاری جوجه‌های دوماه به خانواده‌های مستعد برای پرورش آنها خبر می‌دهد و می‌گوید: در این ایام سخت کرونا برخی از خانواده‌ها به خاطر از دست دادن کار و شغل خود روحیه و اعتماد به نفس خود را هم از دست دادند که ما سعی داریم برای ۱۰۰ خانواده حدود ۱۰ جوجه برای پرورش واگذار کنیم.

چاپ شانزدهم

حرفه‌ای خیرنگاری کنید

آموزش خیرنگاری

همراه با خاطرات و تجربه‌های خبری یک خبرنگار

خبرنگار حرفه‌ای



کتاب «خبرنگار حرفه‌ای» به چاپ شانزدهم رسید
برای سفارش کتاب با شماره ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴ تماس بگیرید

خبرنگار حرفه‌ای

سید هادی کسایی زاده

چاپ



سید هادی کسایی زاده

خبرنگار، روزنامه نگار، دبیر و سردبیر

* خاطرات / بخش اصول مصاحبه / صفحه ۲۳۸

شهریورماه ۱۳۹۴ بود که تصمیم گرفتم برای بررسی وضعیت زندگی شبانه معتادان تهرانی بیشتر به آنها نزدیک شوم. یک تی شرت سفید بر تن کردم و روی پشت بام خانه غلطیدم. مدتی هم در سطل زباله بزرگ کوچه ماندم تا حسابی کثیف و بوی بد بگیرم. یک گونی پاره همراه با مقداری زباله پلاستیک روی دوشم انداختم و به سمت محله‌های میدان شوش و هرنندی حرکت کردم. شب سختی بود و تا صبح کنار معتادان تهرانی زندگی کردم. دخترها و پسرهای زیادی تا نیمه شب در پارک بودند. از دانشجو و هنرمند تا کودکان خردسال که جای تاسف داشت. با آنکه دوربین عکاسی داشتم می‌ترسیدم عکس بگیرم که یک مرتبه فکری به ذهنم آمد. دوربین را از داخل گونی در آوردم و فریاد زدم... «آهای دوربین کسی نمی‌خواد؟ مفت می‌فروشم؟» به این بهانه شروع به عکاسی کردم. سیگار هم از دهانم حذف نمی‌شد و باید ظاهر را حفظ می‌کردم. ناگهان ۲ معتاد گیر دادند دوربین را می‌خریم. هر کاری کردم نتوانستم خودم را از دست آنها رها کنم. به سرعت سمت خودروای که با آن به منطقه آمده بودم رفتم. از قبل یک فلاشر هم نصب کرده بودم تا موردی رخ داد ترسند و تصور کنند من پلیس مخفی هستم. وقتی فلاشر را زدم همه با تعجب به من خیره شده بودند. حالا در جیب‌هایم هم نیم کیلویی انواع مواد مخدر بود چون در همان پارک خریداری کردم تا گزارشم کامل شود. خلاصه وقتی حرکت کردم ناگهان پس از چند متر ایست بازرسی بسیج... (ادامه را در کتاب بخوانید)